

آتش بازی انسان و مزاحمت برای جانداران

یکی از ایرادهای جمع شدن جانداران مختلف مثل حیوانات یا پرندگان به دور هم، خطر سرایت بیماری‌های مختلف یا انگل‌های گوناگون مثل جرب‌ها و کنه‌ها است. گاهی بیماری‌های ویروسی تنفسی یا آلودگی‌های قارچی به سرعت در میان اعضای گروه منتشر می‌شوند.

رضا صادقی

روانه بیمارستان‌ها میکنند. بسیاری دچار ناشنوایی، نابینایی و قطع عضو میشوند و برخی هم فرصتی برای استراحت ابدی در گوشه قبرستان پیدا میکنند. حال و احوال بازماندگان از یک سو دردآور و از سوی دیگر خنده دار است؛ زمانی که تصور میکنم علت مرگ در گواهی فوت چگونه نوشته می‌شود: «ترکیدن با فشفشه یا برخورد ترقه با یکی از اعضای حساس بدن مرحوم»!!

به نظر من این نمایش بازتابی است از سطحی نگری، پوچی و بلاهت انسان. او به جای آنکه شادی و خرسندی را در قلب خود پیدا کند، در ترکاندن فشفشه و باروت می‌بیند. این انفجارهای به درد نخور باعث ترس و وحشت پرندگان، حیوانات و سایر جانداران می‌شوند. گاهی می‌توان در چهره حیوانات حاضر در چنین مراسمی نوعی نگاه عاقل اندر سفیه نسبت به انسان مشاهده کرد؛ انگار که او را به خاطر اینقدر کم‌عقلی ملامت می‌کنند. حیواناتی مثل سگ‌ها و گربه‌ها با وحشت به گوشه‌های تاریک منزل پناه می‌برند و خدا می‌داند چقدر حیوان و پرند دیگر که جایی برای پنهان شدن ندارند ممکن است جان خود را از دست بدهند. بررسی‌های مفصل علمی که روی پرندگان انجام شد نشان داد که با شنیدن صدای انفجار و دیدن نور آتش بازی، ضربان قلب آنها تا سرحد مرگ افزایش پیدا می‌کند، دچار گیجی و گم کردن مکان می‌شوند، هورمون‌های استرس به شدت در خون آنها افزایش پیدا می‌کند و بی‌هدف به پرواز در می‌آیند.

انسان باردار، رویان را برای مدت ۹ ماه در شکم خود حمل میکند. رویان از هفته‌های نخست بارداری، در یک کیسه آب شناور است تا زمانی که این کیسه به هنگام زایمان بتزکد و نوزاد متولد شود. تصور میکنم در این لحظه مهم پیوندی بین ترکاندن چیزی و شادی و خوشحالی از زاده شدن در وجود نوزاد شکل می‌گیرد؛ چرا که بسیاری مردم، ترکیدن و ترکاندن را معادل خوشی و سرخوشی می‌دانند و دوست دارند هر جایی که در زندگی دست بدهد خودشان، یک یا چند حیوان بدبخت، کس یا چیز دیگری را منفجر کنند. حتی در گفته و گوه‌های روزمره هم می‌توان شنید که چند نفر پیشنهاد می‌کنند تا در جایی جمع شوند و بتزکانند!!

به هر حال چون امکان ترکاندن همیشه و همه جا وجود ندارد، صدها سال قبل، نیاکان همان مردمانی که ویروس کرونا را به جهان هدیه دادند یک بازی ابلهانه اختراع کردند که بشود یک چیزهایی را با سروصدای بسیار ترکاند، بلکه خوشحال شد. به این صورت آتشبازی، ترقه و فشفشه تولید شد تا نیاز به منفجر کردن را در وجود انسان سیراب کند.

من هیچوقت فلسفه آتشبازی و هوا کردن فشفشه و ترقه را نفهمیدم. این بازی کودکانه که برخی کشورها برای داشتن رتبه بزرگترین، دیدنی‌ترین و مفصل‌ترین، در آن با بقیه رقابت می‌کنند تلاشی است برای نشان دادن شادی و خوشحالی انسان امروزی از فرا رسیدن یک مناسبت، شروع سال نو، آغاز یک فستیوال یا مانند آنها. این کار ناخردانه، هر سال صدها نفر را

جوجه‌ها از آشیانه‌ها بیرون می‌پزند، گم می‌شوند یا به خوراک شکارچیان بدل می‌شوند. برخی پرندگان تا ۱۵ کیلومتر از محل زندگی و آشیانه خود دور می‌شوند. آنها ممکن است دیگر به لانه خود بازنگردند یا جوجه‌ها و تخم‌هایشان به دلیل گرسنگی و نبود مراقبت مناسب نابود شوند. پرندگان آبی به خصوص آنهایی که در تالاب‌ها و بر سطح آب لانه می‌سازند بیشتر دچار وحشت می‌شوند. بررسی‌های انجام شده در نیوزیلند نشان داد که ۷۹ درصد از اسب‌ها و حیوانات مزرعه در زمان آتش بازی به طور خطرناکی دچار ترس و هیجان می‌شوند به طوری که ممکن است به خود و دیگران آسیب بزنند. بسیاری از اسب‌های وحشت‌زده خود را به زده‌ها و دیوار اصطبل‌ها و باکس‌ها می‌کوبند. کنترل یک اسب ۵۰۰ کیلویی یا یک گاو نر یک تنی وحشت‌زده برای کارگران دامداری‌ها نه فقط ساده نیست بلکه ممکن است باعث جراحت و مرگ آنها شود.

یک دست از این اتفاقات ثبت شده در شب یکم ژانویه ۲۰۲۱ در ایتالیا رخ داد. با شروع آتشبازی سال نو، صدها پرند و وحشت‌زده خود را به ساختمان‌ها و شیشه‌ها کوبیدند یا از ترس سکنه کردند، چون مجریان این قتل عام احتمالاً قصد داشتند یک رتبه به یادماندنی از این عمل بی‌فایده به نام خود ثبت کنند. حتماً مشابه این اتفاق در بسیاری از شهرهای بزرگ جهان رخ داده است. آنچه به دست آمد، مرگ هزاران پرند و یک شروع شرم آور برای سال ۲۰۲۱ بود. پرندگان آواز زیبای خود را به ما هدیه می‌کنند، هنگام شادی و سرخوشی می‌رقصند و از شاخه‌ای به شاخه دیگر می‌پزند. هدیه انسان به آنها گلوله، اسارت، آتش، وحشت، نابودی درختان، خراب کردن زیستگاه‌ها، خشک کردن تالاب‌ها و از بین بردن نسل آنهاست. واقعاً که رفتارهای ویرانگر انسان، جشن گرفتن و ترقه ترکاندن هم دارد. به راستی چه قلبی که از چنین نمایش مرگ آوری خوشحال و سرخوش می‌شود؟ شاید بهتر باشد راهی برای ترکاندن و خلاصی از عقده‌ها، غصه‌ها، خشم، حرف‌های ناگفته و سرخوردگی‌های زندگی پیدا کنیم؛ شادی و سرخوشی را جای بهتری در زندگی بیابیم و جان دیگران و پرندگان و حیوانات بی‌گناه را به خطر نیندازیم و این قدر نفرین آفرینش را به جان نخریم.

